روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۴۵۱

سرمایه گذاری برای تولید

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: ■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار: ■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد ■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد: ■ مدیر: حسین لطفی ■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر: ■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور ■ دبیر: لیلی خرسند
گزارش: ■ مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من: ■ مدیر: سیده زهرا عباسی ■ دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی: ■ مدیر: جواد نصرتی ■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ: ■ مدیر: جواد عزیزی ■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها: ■ مدیر: ساسان شادمان ■ دبیر: زهرا خلجی

جامعه: ■ مدیر: مسعود میر ■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون): ■ مدیر: سعید مروتی ■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر: ■ دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی: ■ دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک: ■ دبیر: محمدعلی حلیمی

■ سردبیر آنلاین: اسماعیل سلطنت‌پور
■ معاونان آنلاین: مجتبی صادقی، کامران بارنجی، حامد فوقانی
■ مدیر فضای مجازی: زهراسادات بهشتی
■ مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■ مدیر تولید تلویزیون: الهه‌سادات بهشتی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع): هر کس خود را در مواضع تهمت قرار دهد نباید بدگمان به خویش را سرزنش کند.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۱۱
■ اذان مغرب: ۱۹:۳۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۲
■ اذان صبح فردا: ۳:۳۳ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۱۱

حافظ
مگر به تیغ اجل خیمه برکنم ور نی
رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

عکس: همشهری / حامد خورشیدی

بسته پیشنهادی

یک روز بدون موبایل

راهکارهایی برای تفریح کردن در دنیای واقعی، بدون موبایل

فاطمه عباسی

«شما معتاد فضای مجازی نیستید، فقط هیچ تفریحی در دنیای واقعی ندارید!» این جمله کوتاه، گزنده و تکان‌دهنده، چندی پیش در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) دست‌به‌دست شد و بسیاری از ما را به فکر فروبرد؛ جمله‌ای که مانند یک آینه تصویری ناخوشایند اما واقعی از سبک زندگی بسیاری از ما در عصر دیجیتال به نمایش گذاشت؛ ساعت‌ها غرق‌شدن در اسکرول بی‌پایان اینستاگرام، بحث‌های داغ و اغلب بی‌نتیجه در ایکس و تماشای ویدئوهای کوتاه و سریالی در تیک‌تاک و یوتیوب. ما در جهانی از اطلاعات، سرگرمی‌های لحظه‌ای و ارتباطات مجازی زندگی می‌کنیم که هر روز بیشتر از دیروز ما را از دنیای واقعی، از لمس حقیقی و از تجربه‌های مشترک انسانی دور می‌کند؛ یک اعتیاد مدرن، بی‌هیچ دود و سرنگ، اما با عوارض جانبی بی‌حوصلگی، کرختی و فاصله‌گرفتن از «لذت‌های واقعی».

اما آیا واقعا دنیای واقعی آنقدر خالی از جذابیت است که پناهگاه ما صفحه‌های چنداینچی موبایل‌هایمان شده؟ یا شاید ما راه را گم کرده‌ایم و فراموش کرده‌ایم که چگونه می‌توان «واقعی» تفریح کرد؟ آن توییت تلنگری بود برای به‌یادآوردن اینکه هیجان، خنده، صمیمیت و خاطره‌سازی بیش از آنکه در قاب‌های دیجیتال یافت شود، در تعاملات چهره‌به‌چهره، در رقابت‌های دوستانه، در هم‌صحبتی‌ها در یک کافه دنج و در قدم‌زدن زیر آسمان واقعی شهر نهفته است. اعتیاد به فضای مجازی شاید یک بیماری مدرن باشد، اما درمان آن پیچیده نیست. درمان آن، بازگشت به اصل است؛ بازگشت به زندگی. این گزارش یک «نسخه» است؛ یک راهنمای عملی برای کشف دوباره تفریحات گروهی و جذابی که همین‌جا، در پایتخت، انتظار ما را می‌کشند تا برای ساعاتی هم که شده، تلفن‌های همراهمان را کنار بگذاریم، آفلاین شویم و طعم شیرین زندگی واقعی را بچشیم.

بازی‌های گروهی / بازگشت به هیجان واقعی

هیچ‌چیز مانند یک بازی دسته‌جمعی نمی‌تواند آدرنالین، خنده و حس همکاری را به یک گروه دوستانه تزریق کند. بازی‌ها ذهن را به چالش می‌کشند و روابط را عمیق‌تر می‌کنند.

پیشنهاد:

۱ **اتاق فرار:** تصور کنید با گروهی از دوستانتان در اتاقی با داستانی هیجان‌انگیز حبس شده‌اید و برای فرار باید با هم فکر کنید، سرنخ‌ها را کنار هم بگذارید و قفل‌ها را باز کنید. این تجربه نه‌تنها هوش و کار گروهی را تقویت می‌کند، بلکه خاطره‌ای پر از آدرنالین و خنده برایتان می‌سازد.

۲ **کافه‌های بُردگیم:** دنیای بازی‌های رومیزی بسیار فراتر از منچ و مارپله است. در این کافه‌ها می‌توانید از میان صدها بازی استراتژیک، معمایی، کارتی و دورهمی یکی را انتخاب کنید. در کنار بازی می‌توانید از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌های کافه هم لذت ببرید.

ورزش و آدرنالین / تخلیه انرژی در زمین

فعالیت بدنی بهترین راه برای تخلیه استرس‌های روزمره و فاصله‌گرفتن از دنیای دیجیتال است.

پیشنهاد:

۱ **فوتسال و والیبال:** اجاره یک سانس یک‌ونیم‌ساعته در یک سالن ورزشی و برگزاری یک مسابقه پرهیجان، یک سنت قدیمی و محبوب میان دوستان است. فریادهای تشویق، رقابت سالم، تلاش برای یک هدف مشترک و خستگی لذتبخش پس از بازی، تمام انرژی‌های منفی انباشته‌شده را تخلیه و روابط دوستانه را محکم‌تر از قبل می‌کند.

۲ **بولینگ و پینت‌بال:** اگر به‌دنبال هیجانی متفاوت هستید، بولینگ با تمرکز و رقابت آرامش‌بخش خود و پینت‌بال با آدرنالین خالص و کار تیمی استراتژیکش، گزینه‌های فوق‌العاده‌ای هستند.

آشتی با طبیعت / کشف دوباره تهران

برای لذت‌بردن از طبیعت همیشه لازم نیست از شهر خارج شوید. تهران پر از فضاهای سبز و مسیرهای دل‌انگیزی است که می‌توانند مقصدی عالی برای یک پیاده‌روی یا گردش چندساعته باشند.

پیشنهاد:

۱ **کوهپیمایی و طبیعت‌گردی:** مسیرهای دربند و درکه با صدای آب و کافه‌های بین‌راهی کلاسیک‌ترین انتخاب‌ها برای یک صبح یا عصر دل‌انگیزند. برای یک پیاده‌روی آرام، دوچرخه‌سواری یا صرفا نشستن روی یک نیمکت و خواندن کتاب هم پارک‌های جنگلی چیتگر، لویزان و طالقانی پناهگاه‌های سبزی در دل شهر هستند.

۲ **پیک‌نیک:** یک زیرانداز، یک فلاسک چای، کمی خوراکی و یک جمع صمیمی. این ساده‌ترین و درعین‌حال یکی از لذت‌بخش‌ترین تفریحات است. بوستان ملت، پارک لاله، بوستان آب‌وآتش و بوستان نهج‌البلاغه فضاهای وسیع و مناسبی برای پهن‌کردن بساط پیک‌نیک هستند.

هیجان در آب / فرار از گرما و روزمرگی

هیچ‌چیز مانند آب‌تنی نمی‌تواند شما را مجبور کند تلفن همراه خود را در کمد بگذارید و تمام وجودتان را به‌دست لذت و آدرنالین بسپارید.

پیشنهاد:

۱ **پارک‌های آبی:** خودتان را به یک روز سرشار از جیغ، خنده و آدرنالین در پارک‌های آبی دعوت کنید، جایی که هیجان سرسره‌های بلند جایگزین اسکرول بی‌وقفه می‌شود.

۲ **استخرها:** اگر به‌دنبال آرامشی عمیق و فرار از هیاهوی روزمره هستید، یک سانس شنا در استخر را با دوستانتان هماهنگ کنید. غوطه‌ورشدن در سکوت آب و یک گپ‌وگفت دوستانه در کنار استخر، راهی فوق‌العاده برای پاک‌کردن ذهن از استرس‌های دیجیتال و تجدید قواست.

گشتی در شهر / پاتوق‌های فرهنگی و تفریحی

تهران پر از مراکز چندمنظوره‌ای است که می‌توانید یک روز کامل را در آنها بگذرانید بدون اینکه احساس خستگی کنید.

پیشنهاد:

۱ **باغ کتاب تهران:** این مجموعه عظیم فقط یک کتاب‌فروشی نیست؛ یک شهر فرهنگی است. می‌توانید ساعت‌ها در میان قفسه‌های بی‌پایان کتاب قدم بزنید، در باغ علم نوجوان به کشف‌های علمی بپردازید، یکی از جدیدترین فیلم‌های روز را در پردیس سینمایی مجهزش تماشا کنید و درنهایت در یکی از کافه‌ها یا فودکورت بزرگ آن، روز خود را با یک گفت‌وگوی دلچسب به پایان برسانید. باغ کتاب یک پکیج کامل برای یک روز تفریح آفلاین است.

۲ **خانه هنرمندان و باغ‌موزه سینما:** برای علاقه‌مندان به هنر و فرهنگ این ۲ نقطه بی‌نظیرند. در خانه هنرمندان واقع در پارک هنرمندان، می‌توانید از گالری‌های نقاشی و عکاسی دیدن کنید، یک تئاتر ببینید و در کافه-رستوران گیاهی معروفش با دوستانتان معاشرت کنید. باغ موزه سینما نیز در باغ فردوس با آن عمارت تاریخی زیبا شما را به سفری در تاریخ سینمای ایران می‌برد و کافه‌های دنج محوطه‌اش بهترین مکان برای یک قرار دوستانه پس از تماشای فیلم است.

حکایت پلاس

گل‌های منحصربه‌فرد!

سیدسروش طباطبایی‌پور

برخی گل‌ها خاص و منحصربه‌فردند و کمتر جایی پیدا می‌شوند. مدتی است یکی از آنها را در باغچه مجتمع مسکونی‌مان پیدا کرده‌ام؛ درختچه‌ای باشکوه با گل‌های زرد و پرچم‌های قرمز بلند که وقتی باد می‌وزد، لابه‌لای بادها می‌رقصد و این‌سو و آن‌سو می‌رود. تابه‌حال چنین بوته‌ای را ندیده بودم. وقتی برای چند گلفروش هم مشخصاتش را شرح دادم، نمی‌دانستند از چه گلی حرف می‌زنم. تا اینکه یک‌بار به کمک عکس و هوش مصنوعی مهربان، فهمیدم نام درختچه منحصربه‌فرد باغچه ما، «ابریشم مصری» است؛ گیاهی با ظاهری متمایز و گرمسیری که بومی آمریکای جنوبی است و در برابر خشکی مقاوم!

برخی آدم‌ها هم خاص و منحصربه‌فردند و کمتر جایی یافت می‌شوند. مدتی است یکی از آنها را حوالی باغچه مجتمع مسکونی‌مان پیدا کرده‌ام. مردی خمیده، اما با شکوه و استوار با لب‌هایی پر از خنده و لباسی سبز که وقتی باد می‌وزد، لابه‌لای گل‌ها و درخت‌های باغچه مجتمع ما می‌رقصد و این‌سو و آن‌سو می‌رود تا نکند درخت‌ها و درختچه‌های باغچه، خمیده شوند! تابه‌حال چنین مردی را ندیده بودم، وقتی از همسایه‌ها سراغش را گرفتم، نامش را نمی‌دانستند، تا اینکه یک‌بار فهمیدم نامش «گلخو» است؛ باغبانی که با گل‌ها خو گرفته و انگار سرشتش را از گل آفریده‌اند. همنشینی با گلخو، برایم لذتبخش است. دیروز چند بوته ابریشم مصری دیگر هم خریده بود تا آنها را در بخش‌های دیگر باغچه بکارد. فکر کردم فقط زیبایی این گل منحصربه‌فرد، دل باغبان را برده، اما تنها این نبود. گفت: «البته که ابریشم، عشق منه، اما فقط به‌خاطر زیبایی‌اش نیست! ابریشم از این گلای ادایی نیست؛ سخت‌جونه و با کم‌آبی می‌سازه. آخه این روزها کم‌آبی بیداد می‌کنه و همه باید کمک کنیم!»

دور دنیا

جنجال کاپوت خودروی آکواریومی

مدتی است در استان لیائونینگ چین، یک خودروی آکواریومی توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کرده؛ خودرویی با پوشش کاپوت شفاف و پر از ماهی و سخت‌پوستان زنده شبیه آکواریوم که این روزها جنجال‌برانگیز شده است.

ماجرا از این قرار است که یک مرد چینی با خودروی لوکس SUV خود، برای ماهیگیری به سفری کوتاه می‌رود و بعد از آنکه چند ماهی نسبتاً بزرگ صید می‌کند متوجه می‌شود که فراموش کرده ظرف نگهداری ماهی‌های زنده را همراه خود بیاورد. بعد از کلی فکر، یک ایده خلاقانه به ذهنش می‌رسد. او متوجه می‌شود کاپوت خودروی لوکسش، با یک لایه دوجداره پلاستیکی ایزوله پوشیده شده تا سطح بدنه خودرو را از خط و خش حفظ کند. او بین پوشش دوجداره روی کاپوت، درزی پیدا می‌کند و آن را با آب پر می‌کند به شکلی که روی کاپوت ماشین، محفظه‌ای پر از آب مثل یک آکواریوم درست می‌شود و ماهی‌های صیدشده‌اش را درون همان محفظه می‌اندازد و آن درز را می‌پوشاند تا ماهی‌هایش تا زمان رسیدن به مقصد، زنده و تازه بمانند.

البته ظاهر خودروی این مرد چینی، بسیار هیجان‌انگیز شده بود، به‌حدی که وقتی برای نخستین بار به این شکل وارد شهرش شد، خیلی از هم‌محلی‌ها فکر کردند او این کار را به کمک هوش مصنوعی انجام داده. اما وقتی آن را از نزدیک دیدند، شگفت‌زده شدند و البته عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان دادند. مرد چینی هم از این ابتکار خوشش آمد و این کار را چندین‌بار دیگر انجام داد و ویدئوهایی از کاپوت خودروی آکواریومی‌اش را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

البته وقتی همه فهمیدند کاپوت آکواریومی این خودرو واقعی است، عکس‌العمل‌های گوناگونی نشان دادند. برخی ابتکار او را تحسین کردند و از حرکت ماهی‌های زنده روی کاپوت خودرو، هیجان‌زده شدند؛ اما گروهی از حافظان طبیعت نیز حسابی از کار او خشمگین شدند؛ چون معتقد بودند کاپوت خودرو در حال حرکت، بیش از حد گرم می‌شود و به ماهی‌ها آسیب می‌رساند. البته چند روزی است این جنجال مجازی، پایش به دنیای حقیقی هم باز شده و پلیس استان لیائونینگ چین پوشش خودرو تغییرشکل‌داده‌شده این مرد را مناسب رانندگی تشخیص نداده و این کار را ممنوع کرده است.

خوش خبر

ساخت مفصل زانوی هیدرولیکی برای معلولان

خبر خوش امروز درباره دانش‌بنیان‌هاست. به تازگی متخصصان یک شرکت توانسته‌اند مفصل زانوی هیدرولیکی بسازند که حرکت معلولان را راحت‌تر می‌کند. این محصول برخلاف نمونه‌های خارجی قیمت مناسبی دارد. به‌گفته مدیرعامل این شرکت دانش‌بنیان، نمونه خارجی این محصول ۴۰۰میلیون تومان قیمت دارد اما این شرکت با هزینه ۱۲۰میلیون توانسته گزینه مناسبی را برای معلولان و جانبازان طراحی کند. او گفته: این محصول باعث می‌شود فرد کنترل خم و کشش زانویش را در اختیار داشته باشد. این طراحی هوشمندانه، امنیت و پایداری حرکت را برای کاربر فراهم می‌کند. این مفصل از جنس آلومینیوم ساخته شده است و همین عامل باعث شده نسبت به مفصل‌های دیگر در بازار سبک‌تر باشد.

مدرسه زندگی

صاحب خوی منفی کیست؟

ویل دورانت، فیلسوف صاحب خوی منفی خود را حقیر می‌شمارد و همواره متوجه ضعف جسمانی خود است و انسان‌هایی را که قدرت جسمانی خوبی دارند با حسرت می‌نگرد. او توان کافی برای کار و زندگی ندارد و گویی خون به اندازه کافی در بدنش نیست.

سر میز غذا اگر دقت کنی، کم‌غذاست و بدغذا. با وسواس غذا می‌خورد و سخت‌پسند است. جوری با غذا ورمی‌رود که انگار مرغی برای نخستین‌بار کرمی دیده باشد. اگر جایی مهمان باشد، بعد از غذا جوری از اتاق خارج می‌شود که کسی متوجهش نشود، لابد فکر می‌کند همه دقت‌شان به اوست.

البته چنین شخصی گاهی شدت عمل هم به خرج می‌دهد؛ اما چه فایده؟ این شدت عمل مانند نقابی است روی رفتار کسی که می‌داند به‌زودی تسلیم خواهد شد. متنفر از مسئولیت و اقدام است و عاشق عزلت و سکوت و آرامش. به همین دلیل است که عاشق مطالعه می‌شود. به همین دلیل است که سراغ مطالعه داستان‌های مهیج و پرخطر و داستان‌های افراد باراده و جنگ‌ها می‌رود. جالب اینکه اگر گاهی پیروز شود، باد به غبغب می‌اندازد که یعنی من بودم که پیروز شدم؛ اما وقتی شکست بخورد، آن را ناشی از پیرامون خود می‌داند؛ حالا دولت یا مردم با سرنوشت یا هر چیزی جز خودش.

اینها گاهی در حوزه تخیل و خلاقیت ذهنی هم افراد بزرگی می‌شوند؛ چون برای فکر و خیالشان هیچ مانعی نمی‌بینند و سعی می‌کنند آنجا جبران مافات کنند؛ درنتیجه در بهترین حالت شاعری نابغه خواهند شد و در بدترین حالت یک روشنفکر معمولی که فقط اهل مطالعه است و صاحب‌نظر نیست. با رشد تمدن و با توجه به اینکه نیروی جسمانی در زندگی‌ها کمتر مورد نیاز است، از این دست افراد در شهرها فراوان به چشم می‌خورد؛ افرادی که غرق در اندیشه و فکر و خودخوری‌اند؛ مردانی با تخیل دن کیشوت و دستاوردهای هملت. چنین شخصی غریزه حرکت و عمل ناچیزی دارد و به‌خاطر همین گریزان از بازی و سرگرمی و علاقه‌مند به فکر کردن و حرافی است. اگر هم به یک بازی برود قصدش تماشاست نه بازی کردن. و جالب اینکه انگیزه استراحت در او از همه انگیزه‌های دیگر قوی‌تر است و دنبال راحت‌ترین مسیر است، همیشه. قوا و انرژی او صرف عمل نمی‌شود و همیشه زندگی نزیسته‌ای دارد و به همین دلیل آرام و قرار ندارد، حتی اگر زیاد استراحت کند. ماهیت چنین فردی گوشه‌گیری و فرار است و از مسئولیت و تکلیف زندگی گریزان است. البته گاهی هم اهل معاشرت می‌شود، اما فقط با هم‌سنخان خودش. کافه‌ها از چنین اشخاصی پر است. او جویای راحتی است، پس همیشه ناراحت است. به یک کشتی باری می‌ماند که بارش در حال فاسدشدن است و زمانش رو به اتمام است. اهل نظم و انضباط نیست. و این که سرانجام هزاران آرزو دارد ولی فاقد اراده است...